

مادرم آبروی ما را برده بود؛ او مستحق مرگ بود

پسر جوانی که مادرش و مردی غریبه را با شلیک گلوله به قتل رسانده، در حالی از سوی خانواده مادرش بخشیده شده است که خانواده مقتول دوم خواهان قصاص وی هستند.

اواخر سال 99 گزارش قتل زن و مردی جوان در ورامین به پلیس اعلام شد. پس از آن مأموران به محل حادثه که خانه‌ای در قرچک ورامین بود رفتند و پس از بررسی‌های اولیه مشخص شد زن و مردی به نام‌های مریم و اکبر با شلیک گلوله و ضربه‌های چاقو به قتل رسیده‌اند و جسدشان با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران برای رازگشایی جنایت، شبانه تحقیقاتشان را آغاز کردند.

صاحبخانه به مأموران گفت: یک ماه قبل اکبر واحد طبقه اول خانه‌ام را اجاره کرد و گفت به تازگی از شهرستان آمده‌اند. ما نیز در طبقه دوم زندگی می‌کنیم. شب گذشته از خانه آنها سروصدا می‌آمد که پایین رفتم و دیدم اکبر و همسرش کشته شده‌اند.

در ادامه مأموران با بررسی هویت دو مقتول پی بردند مریم 40 ساله در یکی از شهرهای شمالی کشور ساکن بوده اما مدتی قبل از خانه شوهرش که 40 سال از او بزرگ‌تر است فرار کرده و مخفیانه با اکبر در این خانه زندگی می‌کرده است.

با افشای این ماجرا، همسر و پسر 22 ساله مریم به نام سیامک به عنوان مظنونین جنایت تحت بازجویی قرار گرفتند تا اینکه سیامک لب به اعتراف گشود و به قتل مادرش و اکبر با همدستی دو دوستش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: مادرم می‌خواست از پدرم جدا شود اما پدرم راضی به طلاق نبود. مادرم هم با اکبر فرار کرد. پس از آن همه جا را دنبالشان گشتیم تا اینکه خانه‌شان را پیدا کردیم و من تصمیم به قتل آنها گرفتم، سپس تفنگ ساچمه‌ای و چاقو تهیه کردیم و به تهران آمدیم. نیمه شب از روی دیوار به داخل خانه‌شان پریدیم و وارد خانه شدیم که اکبر ما را دید و تا خواست داد و فریاد کند او را با چاقو زدیم، سپس سراغ مادرم رفتم و به او شلیک کردم.

با اعترافات پسر جوان، دو دوست او نیز بازداشت شدند و ادعا کردند فقط همراه سیامک بوده‌اند و در قتل‌ها نقشی نداشته‌اند. با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه 2 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

نخستین جلسه دادگاه

در ابتدای این جلسه نماینده دادستان پس از قرائت کیفرخواست گفت: مادر اکبر به عنوان اولیای دم در دادگاه حاضر نیست اما عنوان کرده پسرش نمی‌دانسته مریم متأهل بوده و او را عقد موقت کرده است بنا براین درخواست قصاص دارد.

اولیای دم مریم نیز به جایگاه رفتند و از نوه خود اعلام گذشت کردند و گفتند: هر دو مقتول گناهکار بودند و باید مجازات می‌شدند. سپس سیامک به جایگاه رفت و گفت: مادرم آبروی ما را برده بود. او مستحق مرگ بود.

پس از آن شاهرخ به جایگاه رفت و گفت: وقتی ناراحتی دوستم را دیدم، قبول کردم او را همراهی کنم.

بعد از شاهرخ، رضا به جایگاه رفت و گفت: اگر این اتفاق برای هر کدام از ما سه نفر رخ می‌داد، بازهم همین کار را می‌کردیم. ابتدا قصد داشتیم مادر سیامک را برگردانیم، حتی وقتی وارد خانه شدیم سرنوشت مریم را به پسرش واگذار کردیم تا خودش تصمیم بگیرد.

با پایان جلسه دادگاه و با توجه به گذشت مادر مریم و درخواست قصاص مادر اکبر، پرونده به دادسرا برگردانده شد تا دادستان از طرف دو فرزند صغیر اکبر اظهارنظر کند. همچنین درخواست دو فرزند خردسال مریم نیز بررسی شود که دادستان از طرف دو فرزند صغیر اکبر درخواست دیه را مطرح کرد و شوهر مریم که قیم دو فرزند خردسالش است نیز از طرف فرزندانش گذشت کرد و سیامک در قتل مادرش از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

*ایران

دومین جلسه دادگاه

در این جلسه سیامک بار دیگر اظهاراتش را تکرار کرد و گفت: پدر 80 ساله‌ام برای اینکه خرج دو برادر خردسالم را تأمین کند سرچارراه کفاشی می‌کرد. او برای زندگی ما هر کاری انجام داده است اما مادرم به ما خیانت کرد.

قاضی پرسید: چرا فرار مادرت را از طریق قانون پیگیری نکردی؟
متهم گفت: دیگر بازگشتش برای ما فایده‌ای نداشت.
در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.